

راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم

اصغر افتخاری^۱

علی شبستانی^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۶

فصلنامه آفاق امنیت / سال چهارم / شماره دوازدهم - پاییز ۱۳۹۰

چکیده:

امروزه پدیده تروریسم به یکی از مهمترین دغدغه های امنیتی ملت ها و دولت ها در سراسر جهان تبدیل شده است. رواج پدیده تروریسم منحصر به منطقه و یا دولت های خاصی نیست، بلکه از کشورهای کوچک، کمتر توسعه یافته تا بزرگترین قدرت های دنیا به نحوی با این معضل امنیتی مواجه هستند. همگام با اوج گیری فعالیت های تروریستی، تمهیدات بین المللی نیز برای مقابله با آن افزایش یافت، اما به رغم تمام قوانین و تمهیدات بین المللی برای مقابله با آن، جامعه بین الملل هنوز نتوانسته با این پدیده به طور جامع و مانع برخورد کند و جهان را از لوٹ وجود تروریست هایی که خون هزاران انسان بیگناه را هدر می دهند، پاک نماید.

به طور تقریبی می توان گفت از زمان شکل گیری جامعه بین الملل و درک لزوم مقابله با تروریسم، کشورها و جامعه بین الملل سه راهبرد را در روند مبارزه با تروریسم در پیش گرفته اند که هر یک موفقیت هایی را در پیش داشته است، اما هیچکدام قادر مقابله ریشه ای با پدیده تروریسم نبوده است و در بلندمدت نتوانسته از دست زدن به اقدامات تروریستی جلوگیری کند که این مطالعه در پی آن است تا ابعاد راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم را در طی سه دهه اخیر تبیین نماید.

از این رو، یافته های این پژوهش که با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر داده های عینی- تاریخی و استفاده از منابع کتابخانه ای و فضای مجازی (الکترونیک) صورت پذیرفته، نشان می دهد که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهایی که پدیده تروریسم با امنیت آن پیوند خورده و به شکل دوگانه ای از تروریسم آسیب دیده است؛ در عین حالی که از ابزارهای نظامی و تاکتیکی (زودبازده) برای مقابله با مظاهر تروریسم بهره گرفته است درصدد خشکاندن ریشه های تروریسم و مقابله با عوامل به وجود آورنده اقدامات تروریستی (دیربازده) بوده و برای مقابله با تروریسم سیاست های ویژه ای را اتخاذ کرده است و اقدامات متعددی را انجام داده است، و این امر نشان دهنده آن است که جمهوری اسلامی ایران در زمینه مقابله با تروریسم دارای راهبردی مشخص بوده است.

واژگان کلیدی:

تروریسم، راهبرد، مقابله با تروریسم، جمهوری اسلامی ایران

۱. دکترای امنیت ملی، دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)

۲. کارشناسی ارشد اطلاعات استراتژیک، دانشگاه جامع امام حسین (ع)



مقدمه:

بدون شک یکی از معضلات جهان کنونی پدیده تروریسم است که حیات انسان‌ها را تهدید می‌کند، روابط دوستانه میان کشورها را در معرض خطر قرار می‌دهد، امنیت دولت‌ها را مخدوش می‌کند و یکی از موانع جدی و اساسی برای دستیابی بشر به صلح و امنیت است و از طرفی، اگرچه تروریسم به طور گسترده به عنوان یک رویکرد عملی مورد استفاده گروه‌های مختلف قرار می‌گیرد اما نباید آن را یک پدیده مجرد و غیر وابسته به سایر علل و عوامل دانست؛ برای فهم بهتر این پدیده لازم است آن را در ساختار مجموعه‌ای که در آن واقع می‌شود مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و در همین راستاست که در اقصی نقاط دنیا، تروریسم نه یک تاکتیک بلکه یک استراتژی است.

موضوع مقابله با تروریسم از معدود موضوعاتی است که اکثر کشورها و ملت‌ها بر روی آن اجماع نظر دارند. البته این اجماع نظر کلی و اجمالی است، دولت‌ها و ملت‌های مختلف برداشتی خاص خود را از این پدیده دارند؛ به طوری که به رغم گذشت بیش از ۶۰ سال از طرح موضوع تروریسم در سطح بین‌المللی و خلق آثار فراوانی (کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای) در شناخت و مبارزه با آن، هنوز نظر قاطعی درباره مفهوم تروریسم، تعریف و مصداق دقیقی از آن در نزد افکار عمومی، اصول و مصادیق مبارزه با آن در سطح بین‌الملل و افکار عمومی وجود ندارد.

جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که پدیده تروریسم با امنیت ملی آن پیوند خورده و به شکل دوگانه‌ای از تروریسم آسیب دیده است. ایران از سویی جزء اصلی‌ترین قربانیان تروریسم در تاریخ استقلال خود به شمار می‌رود و از سویی دیگر در مواجهه با اتهام حمایت از تروریسم، بهای استقلال خود را می‌پردازد. در چنین شرایطی بدیهی است که دولت ایران بیش از هر دولتی از مبارزه و مقابله با تروریسم، به معنی عام کلمه، سود می‌برد و در راستای اهداف و سیاست‌های بشردوستانه خود در پرتو آموزه‌های اسلامی و انسانی، در رابطه با تروریسم و سازوکارهای مقابله با آن در صدد تعبیه سازوکارهای داخلی و همراهی با سازوکارهای بین‌المللی مقابله با تروریسم است. در این حوزه و با توجه به این مقدمه کوتاه، مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به این مسأله است که: ابعاد راهبرد تقابلی جمهوری اسلامی ایران با تروریسم طی سه دهه اخیر چه بوده است؟

در پاسخ به سؤال فوق فرضیه نوشتار حاضر است که راهبرد جمهوری اسلامی



ایران در مقابله با تروریسم طی سه دهه گذشته مبتنی بر خشکاندن ریشه‌ها و مبادی فکری و اعتقادی تروریسم از یک سو و مقابله با مظاهر تروریسم از سوی دیگر بوده است. بر این اساس، با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای ابتدا به بررسی مفاهیم راهبرد، ترور، تروریسم و مقابله با آن و همچنین راهبردهای مقابله با تروریسم که در گستره جهانی وجود دارد می‌پردازیم و سپس سیاستها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران را در این زمینه تبیین خواهیم نمود.

بدیهی است که مباحثی همچون ریشه‌ها و گونه‌های ترور و تروریسم، موضعگیری اسلام در خصوص تروریسم، اصول راهبردی اسلام برای مقابله با تروریسم، نظرات و مواضع رهبران جمهوری اسلامی ایران در خصوص مقابله با تروریسم و مواردی از این قبیل در خصوص مقابله با تروریسم برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است، اما این موارد مفروض بوده و در این مقاله به آنها اشاره نمی‌شود. نکته‌ای که قابل تأکید است اینکه از نظر اسلام ترور و اقدامات تروریستی به هر شکل، در هر جایی و در هر سطحی به طور کلی مطرود و محکوم است و جمهوری اسلامی ایران نیز با سرلوحه قرار دادن اصول راهبردی اسلام در زمینه مقابله با تروریسم از این قاعده مستثنی نبوده است.

۱. مفهوم شناسی

الف) راهبرد

واژه راهبرد به مدت طولانی به معنی بیان دانش و هنری که یک فرمانده کل قوا به کار می‌برد، استفاده می‌شد (بوفر ۱۳۶۶: ۲۶-۲۵). برابر انگلیسی واژه «راهبرد» که در فارسی نیز کاربرد زیادی دارد واژه «استراتژی» است. این واژه از ریشه یونانی استراتیگوس^۱ گرفته شده و نخستین بار در سده ۱۸ میلادی در معنای «هنر ژنرال» و یا «هنر سازماندهی» یگان‌ها مورد استفاده قرار گرفته است (ازغندی و روشندل ۱۳۸۸: ۶-۵)؛ بنابراین در این پژوهش، منظور ما از واژه راهبرد همان استراتژی است و در طی تحقیق این دو واژه را به یک مفهوم در نظر گرفته‌ایم.

راهبرد یا استراتژی به طرح عملیاتی درازمدتی گفته می‌شود که به منظور دستیابی به یک هدف مشخص طراحی شده باشد. وزارت دفاع ایالات متحده امریکا راهبرد را به طور رسمی به این شکل تعریف می‌کند: «راهبرد، نظریه یا مجموعه‌ای از نظریات سنجیده در مورد کاربرد ابزارهای قدرت ملی است که به



شکلی هماهنگ و هم‌گرا برای تحقق اهداف ملی و چندملیتی مورد استفاده قرار گیر...». (www. southcom.mil, 2008) انجمن مطالعات عالی نظامی وابسته به پنتاگون یا وزارت دفاع آمریکا نیز در سال ۱۹۶۳ تعریفی مشابه از استراتژی را طرح کرد: «استراتژی علم و فن توسعه و کاربرد قدرتهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت به هنگام صلح و جنگ به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاستهای ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست است». (فارسی، ۱۳۶۳: ۳۳) کارل فون کلاوزویتس مشهور به پدر مطالعات راهبردی نوین است راهبرد نظامی را به‌کارگیری نیروها در جهت کسب پیروزی نهایی در جنگ تعریف می‌کند.

دیدگاه این نویسندگان، برای تبیین نقش راهبرد در جنگ و منازعه مناسب است، ولی، امروزه بازیگران گوناگونی وارد میدان جنگ شده‌اند؛ بازیگرانی مانند گروه‌های تروریستی، مافیایی، شورشی، شبه‌نظامیان و مانند آن‌ها، صحنه منازعات را بسیار متفاوت‌تر و پیچیده‌تر از گذشته نموده‌اند. به دلیل این پیچیدگی‌ها، رهنامه‌ی نظامی ایالات متحده نگاه دیگری به مقوله راهبرد دارد. در این رهنامه، راهبرد عبارت از «هنر و علم توسعه، و به‌کارگیری و ایجاد هماهنگی میان ابزارهای قدرت ملی (دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و اطلاعاتی) برای دستیابی به هدف‌هایی که به حفظ امنیت ملی می‌انجامد.» این تعریف متفاوت‌تر و جامع‌تر از تعریف‌های پیشین است، زیرا در کنار عنصر نظامی به دیگر عنصرهای لازم برای رسیدن به هدف نیز توجه می‌کند (عباسی، ۱۳۸۸: ۲۲۴).

بنابراین می‌توان گفت، در این مقاله منظور از راهبرد، برنامه‌ریزی و راهکار منسجم، همه‌جانبه، پایدار، علمی و حقوقی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص مقابله با تروریسم است (شریفیان ۱۳۸۰: ۳).

ب) ترور و تروریسم

تروریسم از واژه‌ای مبهم در عرصه بین‌المللی است که به علت پیچیدگی مفهوم و مصادیق آن با نوعی «بحران معنا» در تعریف و تهدید قلمرو آن مواجه هستیم. واژه تروریسم از جمله واژگانی است که افراد و سازمان‌های دولتی و غیردولتی به طور مکرر استفاده می‌کنند، اما هرکدام برداشتهای خاص خود را از آن دارند که در بسیاری موارد متفاوت از برداشت دیگران است. به هر حال، تروریسم از ریشه ترور^۱ به معنای ترس، وحشت و هراس است.



در دانشنامه سیاسی «به کارهای خشونت آمیز و غیر قانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آن‌ها ترور می‌گویند و نیز کردار گروه‌های مبارزی که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود دست به کارهای خشونت آمیز و هراس‌انگیز می‌زنند، ترور نامیده می‌شود» (آشوری، ۱۳۷۳: ۹۹-۹۸). از این رو، معمولاً از ترور، عملی را تعبیر می‌کنند که موجب ترس و وحشت می‌شود؛ آن هم ترس و وحشتی که بالاصاله و بالذات است و نه بالعرض (قادری کنگاوری، ۱۳۹۰: ۲۱۶). میتوان گفت تفاوت‌هایی میان دو مفهوم ترور و تروریسم وجود دارد که در مباحث آتی به ویژگی‌های متمایز آنها اشاره میکنیم. هر چند تعریف تروریسم به علت تضاد و تعارض هستی‌شناختی و حتی شناخت‌شناسانه میان دولت‌ها و برداشتها و ادراکات متفاوت از منافع و امنیت ملی سخت و دشوار است، اما دانشمندان، حقوق دانان، نویسندگان، سازمان‌های دولتی و غیردولتی، کنوانسیون‌ها و افراد گوناگونی تروریسم را به روش‌های متفاوت تعریف کرده‌اند که در این مجال پرداختن به آنها غیرممکن است؛ ولی در اینجا به عنوان تعریف پیشنهادی به یکی از آنها اشاره میشود: «تروریسم اقدامی خشونت آمیز و رعب آور (به علت ناگهانی و غافلگیرانه بودن آن) و در عین حال آگاهانه و سازمان یافته با اهداف و مقاصد عموماً سیاسی و انگاروانه (ایدئولوژیک) - و حتی اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و جز آن - به صورت فردی یا جمعی و با هر وسیله ممکن (چون هدف وسیله را توجیه میکند!)، علیه جمعیتی بیگانه و غیرنظامی است که غالباً قربانیان ترور، هدف و مقصود اصلی نیستند» (قادری کنگاوری ۱۳۹۰: ۲۱۷).

چنانکه در تعریف هم اشاره شد، ترور اساساً پدیده‌ای سیاسی است و در حال حاضر با افزوده شدن پسوند (Ism) به مکتب و روش تبدیل شده است همچنین تروریسم دارای اصول و قواعد هدفمند با سازماندهی شبکه‌ای مشخص و نظریه مند است و می‌توان آن را از ترور که بیشتر شامل اعمال خشونت آمیز، غافلگیرانه و هدفمند می‌شود، جدا کرد. بنابراین میتوان گفت، تروریسم ناشی از نوعی جریان است که برخلاف ترور که عملی فردی و ضربتی است و در کوتاه مدت انجام می‌پذیرد؛ جریانی گروهی، سازمان یافته و مستمر است که اهداف متنوع تری را پوشش میدهد که می‌تواند در جایگاه نوعی استراتژی سیاسی یا حتی نظامی قرار گیرد. به این معنی تروریسم جریانی است که می‌کوشد به کمک روشی از هراس افکنی و وحشت پراکنی مبتنی بر قهر و زور، دیدگاه‌های خویش را پیش ببرد. عامل دیگر که بر اساس آن تروریسم از ترور تمییز داده



می شود، نوع و آماج اهداف انتخاب شده است. بر این اساس، ترور نوعی عمل غافلگیرانه و ناگهانی برای از پای درآوردن مخالف و دشمن است، اما تروریسم با جوهره سیاسی، اجتماعی و عمل فراتر از قتل غافلگیرانه تعریف می شود. در واقع در تروریسم، قتل یا وحشت افکنی لزوماً معطوف به مقتول یا جمعیت مورد تعدی نیست، بلکه در پی آن است تا با تعرض و تعدی به جمع یا هدفی کوچک، جمعیت و جامعه بزرگ را با هراس و انفعال مواجه کند، و به اهداف خود دست یابد (همان). یکی دیگر از ویژگی ها و عوامل تمیزدهنده تروریسم تحرک پذیری و قابلیت تحرک آن است که باید به این مزیت تروریسم در اقدامات ضد تروریستی توجه نمود؛ بدین معنی که بر خلاف دولت ها که یک جغرافیای مشخص دارند و تنها در چارچوب آن قدرت تحرک دارند، اما عدم احساس تعلق سرزمینی به تروریست این قابلیت را داده است که از سرزمینی به سرزمین دیگر و از مکانی به مکان دیگر نقل مکان کند و مورد حمله قرار دادن بازیگری که فاقد احساس تعلق سرزمینی است، بسیار دشوار است.

ج) مقابله با تروریسم

مقابله با تروریسم به اقداماتی تدافعی گفته می شود که برای کاهش آسیب پذیری های فردی و اجتماعی از اعمال تروریستی با استفاده از نیروهای نظامی محلی و مدنی انجام می شود، (Dod, 2009: 39) و به عبارت بهتر، در عین حالی که به معلول (اقدامات تروریستی) پاسخ می دهد به علت ها و ریشه های تروریسم هم توجه دارد؛ از منظری دیگر، به اقدامات، تکنیک ها، تاکتیک ها و استراتژی هایی گفته می شود که دولت ها، نیروهای نظامی و پلیس به منظور جلوگیری و پاسخ دادن به اقدامات و یا تهدیدات تروریستی، انجام می دهند. (Nacos, 2008: 169-218)

اما در پرداختن به بحث مقابله با تروریسم باید به مفهوم ضد تروریسم یا همان آنتی تروریسم هم پرداخته شود و حدود این دو را مشخص نمود. از این رو ابتدا به مفهوم ضد تروریسم می پردازیم و سپس نتیجه گیری و تعریف نهایی را ارائه می نماییم.

ضد تروریسم شامل گستره کاملی از اقدامات تهاجمی برای ممانعت، بازدارندگی و پاسخگویی به تروریسم است که این مرحله، آخرین مرحله در مبارزه با تروریسم است. ضد تروریسم اقدامی واکنشی است و به اقدامات گسترده آمادگی، طرح ریزی و پاسخگویی که در طرح های اقدام متقابل علیه



تروریسم گنجانده شده است، جنبه قانونی می‌بخشد (سرمستانی : ۴)؛ به بیان دیگر ضد تروریسم پرداختن به معلول است و به علت‌های اصلی پیدایش اقدامات تروریستی نمی‌پردازد.

«ضد تروریسم»^۱ گاهی در مقابل «پاد تروریسم»^۲ نیز می‌آید، چنان‌که به بیان «جیمز دردریان» بین سیاست‌های «ضد تروریستی» با سیاست‌های «پاد تروریستی» یک تفاوت بنیادین وجود دارد که ناظر بر اهداف غایی آن‌ها می‌باشد. اگرچه هر دو سیاست به دنبال نفی تروریسم هستند، اما سیاست نخست از طریق کاربرد منابع قدرت برای نیل به هدف تلاش می‌کند و سیاست دوم از طریق ارائه یک «جایگزین» برای آن درصدد رسیدن به هدف است. بر این اساس «پاد تروریسم» ضرورتاً به تولید پدیده‌هایی جایگزین برای «تروریسم» منتهی می‌شود که در «ضد تروریسم» معنا و مفهوم ندارد (دردریان، ۱۳۲: ۱۱۰-۹۳)

با توجه به همه این مباحث، مبنای تعریف و تحلیل نگارنده از مقابله با تروریسم، ترکیبی است از دو مفهوم «ضد تروریسم» و «مقابله با تروریسم» که شامل هر دو مفهوم شده و در سمت و سوی سؤال و فرضیه اصلی تحقیق است.

۲. راهبردهای مقابله با تروریسم

درخصوص چگونگی مواجهه با تروریسم در گستره جهانی سه راهبرد مشخص قابل شناسایی است. این سه راهبرد هر کدام در یک مقطع زمانی از نفوذ و برد بیشتری برخوردار بوده‌اند و به تبع آن در هر دوره غالباً راهکارهایی خاص را برای مبارزه با تروریسم برگزیده‌اند. بنابراین در این بخش مقاله سعی شده است با توضیح مختصری در مورد هر راهبرد، راه‌کارها و ویژگی‌های هر یک از دوره‌ها بررسی شود.

الف) راهبرد پیشگیرانه

راهبرد پیشگیرانه^۳ از قدیمی‌ترین راهبردهای موجود است که مبنا و اساس شکل‌گیری کنوانسیون‌های ۱۳ گانه و قطعنامه‌های سازمان ملل تا اوایل دهه ۹۰ میلادی است. به عبارتی در این دوره تمام کشورها و سازمان‌ها نگاه پیشگیرانه

- 1 . Anti Terrorism
- 2 . Counter Terrorism
- 3 -Prevention Approach

به تروریسم داشتند و به نحوی می‌خواستند اقدامات تروریستی به منصفه ظهور نرسد؛ از این رو اقداماتی (سیاسی، فرهنگی، حقوقی و...) را انجام داده‌اند که عموماً در این چارچوب است.

این راهبرد بیشتر به دنبال ریشه‌یابی تروریسم بوده و همواره بر سر آن اختلاف وجود داشته است. این اختلاف بیشتر بر سر اقدامات تروریستی و اقدامات آزادی‌بخش نمود داشته است. اولین قطعنامه صادره در چارچوب این راهبرد، قطعنامه ۳۰۳۴ سازمان ملل متحد است که در آن به چگونگی روابط کشورها با یکدیگر، عدم مشروعیت استعمار، قوانین تبعیض نژادی و ملاحظات خارجی در کشورهای دیگر اشاره شده است. مفاد این قطعنامه نشان می‌دهد که حامیان آن در درجه اول بیشتر به مبارزه با ریشه‌های تروریسم توجه داشته و در درجه دوم تلاش کرده‌اند که میان تروریسم و سایر اقدامات از جمله اقدامات نهضت‌های آزادی‌بخش، تفاوت قائل شوند (عبدالله خانی ۱۳۸۶: ۲۲۳-۲۲۱).

راهبرد پیشگیرانه در مبارزه با تروریسم دارای دو گونه است: در گونه اول که بیشتر به مسائل فراحقوقی بازمی‌گردد بیش از آنکه به پیش دستی در برابر تروریسم اندیشیده شود، به علل و عوامل پیدایش تروریسم و چگونگی برطرف کردن این عوامل توجه می‌شود. این راهبرد در بلندمدت از کلیه راهبردهای دیگر به مراتب پایدارتر و مؤثرتر خواهد بود. اصول راهنمای شورای اروپا در خصوص حقوق بشر و مبارزه با تروریسم این راهبرد را مدنظر داشته است و راهبرد پیشگیرانه را به شرح ذیل مورد تأکید قرار داده است:

«با در نظر داشتن اینکه مبارزه با تروریسم مستلزم اقداماتی طولانی مدت با نگاه پیشگیرانه از علل تروریسم است، این مهم به ویژه از طریق ترویج همبستگی در میان جوامع ما و ترویج یک گفتگوی چندفرهنگی و میان مذهبی محقق می‌شود» (عبداللهی ۱۳۸۸: ۱۰۷).

گونه دوم راهبردی در پاسخ به اقدامات تروریستی است که با وجود توسل به گونه اول ارتکاب می‌شوند. به دیگر سخن همواره این امکان وجود دارد که گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی وجود داشته باشند که با زیاده‌خواهی نظم موجود را به چالش بکشند. در چنین مواردی در گونه دوم راهبرد پیشگیرانه آن است که به جای اتخاذ موضع انفعالی و واکنشی در برابر فعالیت‌های تروریستی با تصویب اقدامات فعال، نسبت به کشف و خنثی سازی فعالیت‌های تروریستی همت گمارده شود. این راهبرد به ویژه پس از آشکار شدن توانایی تروریست‌ها برای به کارگیری روش‌ها و تسلیحات کشتار جمعی بسیار مورد تأکید قرار



گرفته است.

راهبرد پیشگیرانه در اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم مورد توجه قرار گرفته است؛ به عنوان مثال، در اتحادیه اروپا شاهد تصویب پیش‌نویس کنوانسیون اروپایی پیشگیری از تروریسم هستیم که برخلاف کنوانسیون پالمو کاملاً به موضوع تروریسم اختصاص دارد. این پیش‌نویس - که کمیته کارشناسان تروریسم شورای اروپا در ۷ مارس ۲۰۰۵ آن را به تصویب رسانده است - نظر به اشتغال اساسی آن دارای دقیق‌ترین و کامل‌ترین سازوکارها در پیشگیری از تروریسم است. با عنایت به این پیش‌نویس و دیگر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای موجود در مبارزه با تروریسم و از جمله کنوانسیون پالمو، برخی از سازوکارهای اجتماعی پیش‌بینی شده در پیشگیری از تروریسم عبارت‌اند از:

- لزوم آموزش هرچه بیشتر مأموران اجرای قانون و تربیت نیروهای متخصص در مبارزه با تروریسم؛

- لزوم آموزش و ارتقای آگاهی‌های عمومی مردم در مورد تهدیدات تروریستی به منظور جلب همکاری آنها در شناسایی و پیشگیری از اقدامات تروریستی؛

- اتخاذ سازوکارهای مناسب برای ارتقای همکاری و هماهنگی بیشتر بین مقامات مسئول مبارزه با تروریسم؛

- ارتقای استانداردهای ایمنی در حفاظت از اماکن و تأسیسات دارای قدرت خطرناک؛

- ارتقای استانداردهای ایمنی در حفاظت از جان و اموال قضات، وکلا و دیگر مأموران دخیل در مبارزه با تروریسم؛

- جرمانگاری جرایم تروریستی و اطلاع‌رسانی گسترده در مورد آن؛

- جرمانگاری عضویت در گروه‌های تروریستی و جلوگیری از تأمین مالی تروریسم؛

- جرم‌انگاری، سازماندهی، رهبری، هدایت، معاونت و مشارکت در ارتکاب جرایم تروریستی؛

- جرم‌انگاری آموزش روش‌ها و متدهای تروریستی از جمله آموزش ساخت و به کارگیری مواد منفجره؛

- لزوم شناسایی مسئولیت‌های کیفری، حقوقی و اداری برای اشخاص حقوقی به منظور پیشگیری از سوء استفاده از اشخاص حقوقی؛

- لزوم پیش‌بینی صلاحیت‌های حقوقی و کیفری لازم برای تعقیب متهمان و مظنونان به ارتکاب جرایم تروریستی؛

- لزوم وضع و اعمال جدی مجازات مؤثر و متناسب و اطلاع رسانی گسترده؛

- اعلام و تصویب اینکه جرایم تروریستی برای اهداف پناهندگی جزء جرایم سیاسی در نظر گرفته نمی‌شوند؛

- لزوم برقراری سازوکارهای مناسب و در دسترس برای جبران خسارت قربانیان اقدامات تروریستی، چون رضایت‌مندی مردم نقش مهمی در همکاری آنان با مقامات در پیشگیری از تروریسم دارد؛

- ارتقای همکاری بین‌المللی از طریق تبادل اطلاعات و تجربیات، معاضدت قضایی بین‌المللی و از جمله اجرای دقیق اصل یا محاکمه کن یا استرداد؛

- لزوم ملاحظه موازین و استانداردهای حقوقی از جمله حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در پیشگیری و مبارزه با تروریسم (عبداللهی ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۰۹).

چنان‌که پیداست، راهکارهایی را که در این راهبرد برای مبارزه با تروریسم اتخاذ می‌گردد، بیشتر تئوریک و در مقام عمل هم غالباً به سمت تصویب قوانین و کنوانسیون‌هایی برای مبارزه با تروریسم پیش می‌رود.

ب) راهبرد اعمال مجازات قانونی

این راهبرد در مقطع زمانی ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰ و در کمیته سوم و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ظهور نمود. راهبرد مذکور بیش از آنکه نگران تروریسم و اقدامات تروریستی باشد، مأموریت و توجه خود را بر پایمال شدن حقوق اساسی بشر از ناحیه اقدامات ضد تروریستی قرار داده است. طرفداران این راهبرد معتقد هستند مبارزه با تروریسم در درجه اول به آزادی شهروندان لطمه زده است. دولت‌ها به نام مبارزه با تروریسم، آزادی و خصوصاً آزادی بیان و اطلاعات را محدود نموده‌اند. از سوی دیگر دولت‌ها بیش از پیش به بهانه مبارزه با تروریسم در زندگی خصوصی مردم مداخله می‌کنند و حریم خصوصی افراد را خدشه دار کرده‌اند. ضمن آنکه مبارزه با تروریسم باعث شده است که حقوق زندانیان و کسانی که متهم به تروریسم هستند لگدمال گردد. بنابراین تلاش این راهبرد معطوف به چنین نگرانی‌هایی است (عبدالله خان ۱۳۸۶: ۲۲۴).

این شیوه در برخورد با تروریسم از اسباب و زمینه‌های آن چشم می‌پوشد و بر نفس عمل مجرمانه و مرتکبان آن متمرکز می‌شود. هرگونه بحث و مذاکره با تروریست‌ها یا حامیان آن‌ها منتفی شمرده می‌شود. نگرش حقوقی خود را به برخورد صرفاً شکلی و رسمی با اعمال مجرمانه مقید و محدود می‌سازد.



هرچند ممکن است این روش به تنهایی تحلیل حقوقی قانع کننده‌ای به شمار آید، اما نتایجی که از آن به دست می‌آید چیزی نیست که انتظار می‌رود، چرا که شرایط لازم برای موفقیت آن مهیا نیست (فلوری ۱۳۸۲: ۲۸۸-۲۸۷). برای اینکه اقدامات حقوقی برای مبارزه با تروریسم تا حدی موثر واقع شوند باید از عمل تروریستی تعریفی پذیرفته شده ارائه شود. بین‌المللی شدن تروریسم و مبارزه با آن باید به مقابله جهانی با آن از رهگذر معاضدت حقوقی بیشتر میان کشورها منتهی شود، همان‌طور که طبق نظر قاضی گیلوم^۱ اعمال تروریستی در همه کشورها باید جرم شناخته شود؛ بر این اساس، باید آیین‌های دادرسی کیفری را بازبینی و اصلاح کرد، صلاحیت سرزمینی دادگاه‌ها حتی زمانی که حملات تروریستی به دست اتباع بیگانه و خارج از موطن آن‌ها انجام شده باشد، با سهولت بیشتری به رسمیت شناخته شود و نهایتاً باید تروریست‌ها بازداشت، محاکمه و مجازات و در غیر این صورت مسترد گردند (فلوری، ۱۳۸۲: ۲۸۸).

راهبرد اعمال مجازات قانونی، اعمال تروریستی را صرفاً اعمال کیفری در نظر می‌گیرد که باید به وسیله سازوکارهای داخلی، قضایی، اجرایی و پلیسی پیگیری و محاکمه و کیفر داده شوند. تحقیقات، تعقیب و بازداشت از سازوکارهای اصلی این نظام به شمار می‌آیند. این سازوکارها و به ویژه تکلیف به بازداشت متهمان یا مجرمان شاخصه‌های اصلی است که این راهبرد را از دیگر راهبردها جدا می‌کند. راهبرد اعمال مجازات قانونی در مقایسه با دیگر راهبردها بسیار دقیق و محدودکننده بوده و به همین دلیل برخی از حقوق دانان به صراحت صحبت از عدم کفایت سازوکارهای راهبرد اعمال مجازات قانونی در مبارزه با عملیات تروریستی کرده‌اند و به راهبردهای دیگری مثل راهبرد نظامی متمایل می‌شوند (عبداللهی ۱۳۸۸: ۱۱۵-۱۱۷).

برای مثال دانیل ریسنر در این خصوص چنین اظهار می‌دارد: «تحقیقات، بازداشت و تعقیب از وسایل اصلی نظام اجرای قانون هستند. آن‌ها برای برخورد با مجرمان (عادی) کافی هستند ولی برای مواجهه با تهدیدات تروریسم بین‌المللی ناکافی به نظر می‌رسند. چرا که در برخورد با این پدیده مسأله عمده پیشگیری از حمله، قبل از وقوع آن است نه اینکه هدف اصلی مجازات عاملان آن پس از واقع شدن باشد» (Reisner: 201 به نقل از: عبداللهی ۱۳۸۸: ۱۱۷).

علاوه بر این، این نظر نیز وجود دارد که چون مرکز پلیس مؤثر بین‌المللی وجود ندارد و پلیس محلی نیز در بسیاری از کشورها غرق در فساد و ناکارآمدی



است، راهبرد اعمال مجازات قانونی سازوکار مؤثری در مبارزه با تروریسم نیست. به علاوه نظام استرداد مجرمان نیز در عمل رضایت بخش نبوده و محکمه بین‌المللی کارآمدی که به جنایت تروریست‌ها رسیدگی کند وجود ندارد. از این رو فقط رویکرد توأم با توسل به زور می‌تواند اقدام مؤثر علیه تروریسم بین‌المللی را تضمین نماید (عبداللهی ۱۳۸۸: ۱۱۷). به عنوان نکته پایانی، اشاره به این نکته نیز سودمند است که کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم اساساً راهبرد اعمال مجازات قانونی را پیش گرفته‌اند، به نحوی که در تعدادی از این کنوانسیون‌ها صراحتاً هرگونه توسل به زور در چارچوب درگیری‌های مسلحانه استثنا شده است. برای مثال در کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای که در اجلاس سران مجمع عمومی در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسیده، بند ۴ کنوانسیون به شرح ذیل راهبرد نظامی را استثنا می‌کند:

«فعالیت‌های نیروهای مسلحانه در خلال یک درگیری مسلحانه، آنگونه که این عبارات در حقوق بشر دوستانه بین‌المللی فهمیده می‌شوند، تحت حکومت حقوق مذکور بوده و این کنوانسیون بر آن‌ها اعمال نمی‌شود، همچنین فعالیت‌های نیروهای نظامی یک دولت که از رهگذر انجام وظایف رسمی آن‌ها، انجام می‌شود تا آنجا که موضوع دیگر قواعد حقوق بین‌الملل باشند، این کنوانسیون بر آن‌ها اعمال نخواهد شد» (همان: ۱۱۸).

در کنوانسیون‌هایی که بر اجرای قوانین کیفری یا راهبرد اعمال مجازات قانونی تأکید شده است، نکاتی از این قبیل آمده است: اعمال مجازات شدید نسبت به متصرفان غیر قانونی هواپیما، اعمال صلاحیت کیفری بر پایه حقوق داخلی و رعایت اصل «محاکمه یا استرداد».

ج. راهبرد سرکوب

این راهبرد از سال ۲۰۰۱ میلادی پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ظهور نموده و هنوز نیز این راهبرد مسلط می‌باشد. این راهبرد که اقدام برای نابودی تروریسم نام گرفته است، موجب حمایت شدید امریکا است. این راهبرد اصل را بر نابودی تروریسم و اقدامات تروریستی قرار داده است و با معرفی تروریسم به عنوان یک جرم جنایی، مبارزه با تروریسم تا سر حد کشتن و یا اسیر کردن عوامل آن را جایز دانسته است. در این چارچوب رعایت حقوق بشر در مبارزه با تروریسم در حاشیه قرار گرفته است و می‌توان تا حدود زیادی از آن چشم‌پوشی کرد. در این راهبرد راهکار مقابله با تروریسم بیشتر پلیسی،



نظامی و اطلاعاتی معرفی شده است. تروریسم و مبارزه با آن در این راهبرد در سازمان ملل و بیشتر در کمیته ششم و شورای امنیت دنبال می‌گردد و تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص تروریسم در این چارچوب قرار می‌گیرد (عبدالله خانی ۱۳۸۶: ۲۲۴).

شورای امنیت سازمان ملل متحد از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد در قالب عباراتی کلی یا خاص، تروریسم بین‌المللی را با توجه به شدت و آثار بین‌المللی آن تهدیدی بر صلح و امنیت جهانی قلمداد کرده بود، ولی سده بیست و یکم، آغازی جدید در فرایند مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی بود. شورای امنیت در واکنش به حوادث یازده سپتامبر و پیش از آنکه هرگونه اقدامی را برای کشف ماهیت و کم و کیف این حوادث انجام دهد، بر اساس قطعنامه ۱۳۶۸ (۲۰۰۱) تروریسم بین‌المللی را فارغ از شدت و آثار آن «تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی» شناخت. متعاقباً در ۲۸ سپتامبر همان سال طی قطعنامه ۱۳۷۳ با انحراف از قطعنامه‌های قبلی خود، از یکسو به وضع قواعدی عام، کلی و بدون محدودیت زمانی و مکانی در مقابله با تروریسم مبادرت ورزید و دولت‌ها را مکلف نمود از هیچ اقدامی جهت جلوگیری و مقابله با اقدامات تروریستی دریغ ننمایند، از سوی دیگر کمیته ضد تروریسم متشکل از ۱۵ عضو شورای امنیت را برای نظارت بر اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ به وسیله تمام دولت‌ها و نه صرفاً اعضای ملل متحد بنیاد نهاد؛ قطعنامه‌هایی که موجی از نگرش و بازنگری در خصوص هنجارهای اساسی حقوق بین‌الملل در دوران معاصر را به دنبال داشته است و هنوز هم همین جریان دوگانه تغییر و مقاومت، به قوت خود باقی است: تغییر ابعادی از اصول و سنگ بناهای نظام حقوقی از یک سو و مقاومت در برابر این تغییرات و اصرار بر حقوق موجود از سویی دیگر (زمانی ۱۳۹۰: ۱۸۹).

این آشنایی با نگرش‌ها و برداشت‌های شورای امنیت از تروریسم را می‌توان از خلال قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و مباحث شورای امنیت در این خصوص، درک نمود. در این باره می‌توان تأکید کرد که شورای امنیت برخلاف مجمع عمومی سازمان ملل، بیش از آنکه در ابعاد هنجاری تروریسم و اقدامات تروریستی کار کرده باشد بیشتر در چهره اقدام علیه آنچه اقدامات تروریستی خوانده شده ظاهر گردیده است. مباحث شورای امنیت در این خصوص عموماً پیرامون یک معضل یا مسئله حادث گردیده است که آن را در چارچوب موضوع تروریسم گنجانده اند و نسبت به آن تصمیم‌گیری کرده‌اند؛ نتایج این نوع نگاه به تروریسم و راه‌های مبارزه با آن عموماً به شکل فشار، تهدید، تحریم، اقدام نظامی و مواردی از این



دست خود را نشان داده است (عبدالله خانی ۱۳۸۶: ۱۱۲) نتیجه چنین نگاهی در مبارزه با تروریسم عملاً منجر به تسلسل و دور باطل سرکوب تروریسم شده است و به عبارتی سیاست‌های بسیار شدید و خشن مبارزه با تروریسم در روش سرکوب باعث شکل‌گیری - حداقل در عضوگیری گروه‌های تروریستی - و روی آوردن گروه‌های تروریستی به اقدامات خشونت‌آمیز و تروریسم شده است، در حالی که هدف این سیاست‌ها شکست دادن گروه‌های تروریستی بوده است.

راهبرد نظامی در مبارزه با تروریسم، مبتنی بر توسل به زور مسلحانه‌ای است که در آن بر خلاف نظام حقوق بشر، سیاست «هدف‌گیری و کشتن» تروریست‌ها به جای سیاست «دستگیری یا کشتن» تجویز می‌شود. به عبارتی این راهبرد به دولت سرکوب‌کننده تروریست‌ها اجازه می‌دهد که بدون رعایت قوانین محدودکننده حقوق بشر در توسل به زور مرگبار، با استفاده از سلاح‌های آتشین سبک یا سنگین، تروریست‌ها را هدف قرار دهند.

از این رو بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در آن زمان، امریکا برای مبارزه با تروریسم این راهبرد را در پیش می‌گیرد (تاکنون نیز به آن ادامه داده است) که به نظر نگارنده خود عامل گسترش تروریسم می‌باشد. برای اثبات این ادعا می‌توان به نظریه یکی از نویسندگان و کارشناسان این حوزه، تحت عنوان «مدارات تروریسم»^۱ اشاره کرد که به طور مبسوط این ارتباط را بررسی نموده و نتیجه گرفته است که به دنبال اقدامات امریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر نوع دیگری از تروریسم ظهور کرده است که می‌توان آن را «تروریسم امریکایی» یا مدار پنجم تروریسم^۲ نامید.

نگارنده معتقد است: «تحلیل ماهوی گونه‌های مختلف تروریسم در جهان معاصر حکایت از آن دارد که مدار پنجمی در اقدامات تروریستی شکل گرفته است که مبانی نظری آن در اندیشه‌های نومحافظه‌کاران امریکایی قرار دارد و از سوی استراتژیست‌های قایل به «برخورد پیشگیرانه» توصیه و تأیید می‌شود. این گونه از تروریسم که با ادعای «نفی تروریسم» متولد شده، در واقع خود به دلیل عدم پایبندی به اصول قانونی، دیپلماتیک، هنجاری و اخلاقی تبدیل به جریانی تروریستی شده است که به نظر می‌رسد بیشترین تأثیرات را بر

1. Circuits of Terrorism

۲. طبق نظریه مدارها، ما شاهد پنج مدار یا (شاخص) تروریسم هستیم که مدار اول و دوم بیشتر همان تلقی سنتی از «تروریسم» (کاربرد فیزیکی خشونت به منظور رسیدن به اهداف سیاسی محدود) را مد نظر قرار داده اند؛ مدار سوم را تروریسم دولتی و مدار چهارم را تروریسم شبکه ای نامیداند.



روی نظم جهانی در قرن بیست و یکم به جا خواهد گذارد. در واقع از جمله کانون‌های چالش برانگیز نظم نوین جهانی، منازعه‌ای است که بین گونه‌های سنتی تروریسم (مدارات اول و دوم) و گونه نوین آن (مدارات سوم و چهارم) از یک سو و گونه امریکایی آن (مدار پنجم) از سویی دیگر رخ داده است. نتیجه این منازعه تأثیر بسزایی در تحولات آتی نظام بین‌الملل خواهد گذاشت» (افتخاری ۱۳۸۴: ۱۱۵-۸۹).

۳. تحلیل راهبرد مقابله با تروریسم جمهوری اسلامی ایران

همانطور که اشاره کردیم، تروریسم در طول تاریخ بشریت وجود داشته و جان انسانهای بیگناهی را ستانده است که جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و نیز چنانکه در مقدمه اشاره شد و به عنوان سؤال اصلی تحقیق مورد توجه نگارنده واقع شده، در صدد هستیم راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم را تبیین کنیم که با توجه به چارچوب نظری تحقیق و راهبردهایی که در گستره جهانی برای مقابله با تروریسم وجود دارد خواهیم یافت که جمهوری اسلامی ایران نیز از این راهبردها پیروی کرده و با معیار قرار دادن اصول راهبردی اسلام برای مقابله با تروریسم، راهبردهای مختلفی را اعم از پیشگیری، پیگیری، سرکوب و ...، دنبال نموده است. در این قسمت به اختصار به آن‌ها پرداخته ایم و نسبت اجرای هر کدام را توضیح می‌دهیم.

ذکر این نکته ضروری است که مبنای نگارنده در این پژوهش، تقسیم بندی راهبردهای مقابله با تروریسم در جمهوری اسلامی ایران، به سه دسته راهبرد پیشگیرانه، سرکوب و اعمال مجازات قانونی است که با توجه به حداقل مطالعات انجام شده و اسناد راهبردی که در این زمینه وجود دارد، این نتیجه گرفته شده است. منظور نگارنده از اسناد راهبردی مقابله با تروریسم سه سند ذیل بوده که به عنوان نقشه راه مقابله با تروریسم و بخشی از اقدامات عملی انجام شده در این زمینه شناخته شده اند.



اول، کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی^۱، دوم، لایحه قانون مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران^۲ و سوم، گزارشات جمهوری اسلامی ایران به کمیته مبارزه با تروریسم شورای امنیت (CTC)،^۳ که در این قسمت با عنایت به این سه سند و سایر موارد از جمله: صحبت‌ها، مواضع، مصاحبه‌ها و گزارشات مراجع تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی جمهوری اسلامی ایران از قبیل: شورای عالی امنیت ملی، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مجلس شورای اسلامی و ...، در صدد نائل شدن به پاسخی برای سؤال پژوهش هستیم.

راهبرد پیشگیرانه جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم

با عنایت به مقدمه فوق، برای تبیین راهبرد پیشگیرانه مقابله با تروریسم، در این قسمت ابتدا به اسناد داخلی و بین‌المللی و سپس به سایر موارد پرداخته-ایم و نیز با تأکید به اینکه کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی یکی از اسناد راهبردی در زمینه مقابله با تروریسم برای همه کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران مطرح نموده است؛ بنابراین پیوستن و الحاق (امضاء) جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون یکی از گام‌های مهم در این زمینه

۱. کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی، یکی از کنوانسیون‌های منطقه‌ای مرجع برای مبارزه با تروریسم در جمهوری اسلامی ایران است که جمهوری اسلامی به شرط رعایت موازین اسلامی در انجام اقدامات به آن ملحق شده و این کنوانسیون برای جهان اسلام که به غلط متهم به حمایت از تروریسم و تروریسم‌پروری است، بسیار مهم و با اهمیت بوده، چرا که هم به جرم‌انگاری تروریسم پرداخته و هم به ارائه تعریفی از تروریسم مبادرت نموده و از اینها مهتر به رعایت و توجه به کنوانسیون‌های ما قبل، از سوی شورای امنیت و سازمان ملل احترام و تأکید نموده است.

۲. برای قانون‌گذاری پیرامون تروریسم تاکنون چندین بار از سوی برخی نهادها تلاش‌هایی صورت گرفته است. از جمله تحت تأثیر رویکرد جهانی تدوین مقررات داخلی مبارزه با تروریسم یا پیشگیری از آن در ایران در سال ۱۳۸۲ لایحه مبارزه با تروریسم تدوین شد اما این لایحه با وجود اینکه (به ادعای حقوقدانان) کارشناسی شده بود و قابل دفاع بود، بنا به دلایلی از دستور کار مجلس خارج شد.

۳. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، یعنی ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت قطعنامه‌ای را تصویب کرد که این قطعنامه (۱۳۷۳)، در بند ۶ تمامی دولت‌ها را موظف کرده که سالانه گزارشی را در خصوص اقدامات خود در راستای مقابله با تروریسم را به کمیته مبارزه با تروریسم (CTC) یا (Counter-Terrorism Committee) شورای امنیت سازمان ملل متحد، ارائه نموده و اگر هر کشوری از این اصل پیروی نکند در مجامع بین‌المللی باید پاسخگو باشد و این به معنی داشتن بار حقوقی این قطعنامه برای کشورهای جهان است؛ لذا دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به این قطعنامه پیوسته و آن را امضاء نموده و تاکنون (طبق یافته‌های نگارنده) شش گزارش (البته لازم به ذکر است که گزارش ششم جمهوری اسلامی ایران به دلایل خاصی از جمله محرمانه بودن، فعلاً به اطلاع عموم نرسیده و فقط پنج گزارش قبلی قابل دسترسی می‌باشد) را در سال‌های مختلف به این کمیته ارسال نموده و در آن گزارش اقدامات خود را در قالب پاسخ به سؤال‌های آن، ارائه نموده که ما در این پژوهش از مطالب ارائه شده در این گزارشات به عنوان مستندات و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی و ... استفاده نموده و در لابلای مباحث و اقدامات به آن‌ها اشاره می‌کنیم.



به شمار می آید که در ماده سوم، بند ۲ کنوانسیون مذکور در خصوص اقدامات پیشگیرانه و احتیاطی کشورهای متعاقد اشاره داشته است: دول متعاقد با اعلام تعهد به جلوگیری و مبارزه با جرایم تروریستی و با رعایت قوانین داخلی خود موارد ذیل را در خصوص موارد پیشگیرانه مد نظر قرار دهند:

«مانع از این شوند که سرزمین‌هایشان مکان برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و اجرای جرایم تروریستی یا شروع همدستی در این نوع جرایم در هر گونه اش گردد، که این موارد شامل جلوگیری از نفوذ عوامل تروریست در سرزمین‌هایشان و یا پناهندگی و اقامت به صورت جمعی و فردی یا میزبانی، آموزش، مسلح‌سازی، کمک مالی و یا ایجاد تسهیلات برای آنها می‌شود؛

همکاری و هماهنگ‌شدن با بقیه دول متعهد به‌ویژه دولت‌های همجوار که جرایم تروریستی مشترک یا مشابه در آنجا رخ داده است؛

توسعه و تقویت سیستم‌های مرتبط با نظارت و بازرسی حمل و نقل، واردات، صادرات، کاربری تسلیحات، مهمات و مواد انفجاری به‌علاوه سایر ابزار تهاجم، کشتار و نابودسازی و همچنین تقویت بازرسی میان‌مرزی و نظارت‌های گمرکی برای جلوگیری انتقال این مواد از کشور متعاقد به سایر کشورهای متعهد مگر در مواردی که این نقل و انتقالات برای مقاصد قانونی باشد؛

توسعه و تقویت سیستم‌های مرتبط با نگهبانی، امنیت مرزها و گذرگاه‌های هوایی، دریایی و سرزمینی برای جلوگیری از نفوذ از طریق آنها؛

تقویت سیستم‌ها برای تضمین سلامت و حفاظت از اشخاص، تأسیسات حیاتی و وسایل حمل و نقل عمومی؛

تشدید بیشتر حفاظت، امنیت و سلامت اشخاص و هیأت‌های کنسولی و دیپلماتیک، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای آکرديته در کشور متعاقد مطابق با کنوانسیون‌ها و مقررات حقوق بین‌الملل در این خصوص؛

ارتقای فعالیتهای اطلاعاتی امنیتی و هماهنگ‌سازی آنها با فعالیت‌های اطلاعاتی امنیتی سایر دول متعاقد در جهت سیاست‌های اطلاعاتی کشور خود، با هدف آشکارسازی اهداف گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی و خنثی‌سازی طرح‌ها و افشای دامنه خطر آنها برای امنیت و ثبات؛

تأسیس پایگاهی اطلاعاتی به دست هریک از دول متعاقد برای گردآوری و تحلیل داده‌ها درخصوص سازمان‌ها، جنبش‌ها، گروه‌ها و عوامل تروریستی و برای کنترل و بازبینی توسعه پدیده تروریسم و تجربیات موفق در مبارزه با آن. مزید بر آن، دولت متعاقد این اطلاعات را به روز می‌سازد و آنها را با مقامات



ذی‌صلاح سایر کشورهای متعاقد با رعایت محدودیت‌های قانونی و مقررات کشور خود، مبادله می‌کند» (بزرگمهری ۱۳۸۵: ۵۳-۵۲).

کنوانسیون مذکور علاوه بر موارد فوق برای جلوگیری و مبارزه با تروریسم واردی را از قبیل: تبادل اطلاعات، تحقیق و تفحص، تبادل کارشناس و خبره و آموزش و اطلاع‌رسانی بین کشورهای متعاقد را تأکید می‌نماید. در خصوص اجرای مفاد کنوانسیون فوق که مفاد و محتویات کنوانسیون‌های قبلی از جمله ۱۳۷۳ را هم مورد تأکید قرار داده، به مواردی اشاره خواهیم کرد که به عنوان اثبات مدعای فوق نیز می‌تواند باشد.

وزارت امور خارجه ایران بارها به دولت عراق در خصوص پناه دادن به گروه‌های تروریستی منافقین، آموزش، مساعدت و تحریک آن‌ها در جهت تداوم اقدامات تروریستی هشدار داده و متوقف ساختن این اقدامات را خواستار شده است (گزارش پنجم جمهوری اسلامی ایران به CTC، ۱۳۹۰: ۱۹).

پلیس و آژانس‌های امنیتی و اطلاعاتی، یک گروه کاری را تشکیل داده‌اند تا در خصوص مقتضیات و پتانسیل‌های ایجاد یک بانک اطلاعاتی و مکانیسم‌های دیگر، جهت همکاری بیشتر میان پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی درباره جمع‌آوری، تألیف و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به گروه‌های تروریستی و انجام بهترین اقدامات در راستای مقابله با اقدامات تروریستی و جلوگیری از آن‌ها، مطالعه نمایند و در نهایت راهکارهای پیشنهادی را ارائه کنند (گزارش پنجم جمهوری اسلامی ایران به CTC، ۱۳۹۰: ۱۹).

جمهوری اسلامی ایران، اقدامات مهمی را در زمینه مقابله با قاچاق سلاح به کشور از طریق کشورهای همسایه انجام داده است. قاچاق اسلحه به ویژه پس از توقف جنگ تحمیلی رژیم سابق عراق علیه ایران، یکی از مشکلات کشور ما در دوره پس از انقلاب اسلامی بوده است. در حال حاضر به خاطر شرایط بحرانی کشورهای همسایه ایران و حضور نیروهای اشغالگر در آنجا، هنوز قاچاق اسلحه، مهمات و تفنگ‌های شکاری از برخی از این کشورها به کشور جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. از آنجایی که اکثر این تسلیحات غیرقانونی بوده و عاقبت در اختیار قاتلان، سارقان، قاچاقچیان مواد مخدر، مخلان امنیت و دشمنان ایران قرار می‌گیرد، یکی از اولویت‌های دستورالعمل شورای عالی امنیت ملی و کمیسیون مرکزی نظارت بر تسلیحات و مهمات آن بوده است. تاکنون طرح‌های مهمی با همکاری نیروهای امنیتی، نظامی و اجراکننده قانون ایران به اجرا درآمده است که نتایج ذیل را در بر داشته است:



قانونی که در مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۷۱ به تصویب رسید، مجازات شدیدتری را برای قاچاقچیان تسلیحات و مهمات و قاچاقچیان مسلح پیش بینی میکند و به تنظیم خرید، فروش، نگهداری، واردات و صادرات تسلیحات، مهمات جنگی، مواد انفجاری، مواد محترقه، تفنگ های شکاری و گلوله ها می پردازد و مجازاتی را برای نقض کنندگان قانون وضع میکند (گزارش دوم جمهوری اسلامی ایران به CTC، ۱۳۹۰: ۱۰).

طبق پاراگراف های ۷ و ۸ ماده ۴، نیروهای اجرا کننده قانون جمهوری اسلامی ایران که در مورخه ۱۵ جولای ۱۹۹۰ به تصویب رسید، جمع آوری تسلیحات، مهمات، تجهیزات غیرقانونی، صدور مجوز مالکیت و حمل سلاحهای شخصی به افراد و نظارت بر نگهداری های مجاز و بکارگیری مواد آتش زا، در حیطه اختیارات نیروهای اجرا کننده قانون میباشد.

دارندگان سلاحها و مهمات غیر قانونی در سال ۱۹۹۷، مورد عفو ملی قرار گرفتند که این امر منجر به جمع آوری حدود ۲۷۰ هزار قبضه اسلحه از انواع مختلف از جمله ۹۰ هزار اسلحه گرم و ۱۶۰ هزار اسلحه شکاری شد.

اجرای مرحله دوم از طرح جمع آوری تسلیحات و مهمات غیرقانونی که در سال ۲۰۰۰ به تصویب شورای عالی امنیت ملی رسید و در سال ۲۰۰۴ مورد تجدید نظر قرار گرفت، منجر به جمع آوری حدود ۹۰ هزار اسلحه، مهمات و تجهیزات جنگی از انواع مختلف شد. این تسلیحات و مهمات ضبط شدند و مضمونین مربوطه به مراجع قضایی تحویل داده شدند.

اجرای طرح ویژه دیگری در زمینه مقابله با قاچاق اسلحه که در سال ۲۰۰۵ به تصویب شورای عالی امنیت ملی رسید، منجر به شناسایی و نابودی تعداد قابل ملاحظه ای از باندهای قاچاق سلاح و ضبط حدود ۴۵ هزار اسلحه و مهمات از انواع مختلف شد.

اصلاح قانون مربوط به شدت مجازات قاچاق اسلحه و مهمات که مجازات های شدیدتری را علیه تولیدکنندگان و دارندگان مواد انفجاری و آتشزای غیر قانونی و نیز دارندگان گازهای شیمیایی، گیج کننده، بیحس کننده و نیز اشک آور پیش بینی میکند، توسط کمیسیون مرکزی نظارت بر تسلیحات و مهمات تنظیم و برای تصویب به مجلس ارائه شده است (گزارش دوم جمهوری اسلامی ایران به CTC، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۰).

در رابطه با اقدامات مرزی جمهوری اسلامی ایران میتوان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

- نظارت شدید به مرزها؛

- اعمال کنترل بیشتر به جابه جایی های مرزی و ایجاد مقرهای امنیتی در امتداد مرزهای شرقی و غربی کشور (مثل مقرهای نبی اکرم) جهت اعمال کنترل بیشتر و جابه جایی های مرزی و همچنین استقرار تجهیزات امنیتی به همین منظور؛

- احداث و توسعه دیوارهای امنیتی در امتداد مرزهای شرقی، اعم از دیوارهای بتنی، حفر کانال های مرزی، ایجاد موانع و کشیدن سیم خاردارهای مرزی و انسداد مرز تا حد امکان (گزارش پنجم جمهوری اسلامی ایران به CTC، ۱۳۹۰: ۲۸).

تا جایی که محمدمهدی آخوندزاده معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه در مورخ ۱۱ خرداد ۱۳۸۸ از برگزاری نشست سه جانبه میان سران ایران، پاکستان و افغانستان در تهران خبر داد و تصریح کرد: انسداد مرز با پاکستان را با جدیت دنبال می کنیم. همچنین ایشان اشاره کردند: در دهمین اجلاس سران اکو که در تهران به ابتکار جمهوری اسلامی برگزار شد، قرار شد سه کشور فرآیندی را پیش بینی کنند که در آن با توجه به ظرفیت ها و توانمندی های موجود مشکلات و رخدادهای منطقه آسیب شناسی و شناسایی شود و مکانیسم هایی برای رفع این مشکلات، پیش بینی و پیشنهاد شود، انسداد مرز با استفاده از تجربیات ایران در این زمینه با جدیت دنبال شود، همچنین پاکستان هم خواستار محو کامل گروهک تروریستی "جندالله" شد (روزنامه ابتکار، ۱۳۸۸/۳/۱۱، نسخه شماره ۱۴۸۶).

از دیگر اقداماتی که جمهوری اسلامی در راستای راهبرد پیشگیرانه مقابله با تروریسم انجام داده است، برگزاری اجلاس بین المللی «مبارزه جهانی با تروریسم» است که با ابتکار جمهوری اسلامی انجام شده و فرصتی مناسب برای رساندن پیام جمهوری اسلامی و همه کشورهای آزادی خواهی که خواهان واقعی مبارزه با تروریسم هستند را به گوش جهانیان فراهم نموده است. به نقل از رئیس مرکز ارتباطات، اطلاعات و تبلیغات دفتر رئیس جمهور، برخی از اهداف اصلی کنفرانس مبارزه جهانی با تروریسم، فراهم آوردن فرصتی برای تبادل نظر پیرامون ابعاد گوناگون مبارزه با تروریسم، بررسی دلایل روند رو به رشد فعالیت های تروریستی در عرصه جهانی، بررسی چالش ها و موانع موجود در راه مبارزه با تروریسم، چگونگی تقویت راهکارها و سازوکارهای مناسب برای مقابله با تروریسم در سطوح دوجانبه، منطقه ای و بین المللی، اعلام شده است



(www.icterrorism.com/fa) ۱۳۹۰/۴/۵، به نقل از:

همچنین در این باره رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ایران با تأکید بر اینکه «ملت ایران بزرگ‌ترین قربانی تروریسم در جهان است»، در دیدار آناتولی کریتسنکو، رئیس کمیته امنیت و دفاع ملی شورای عالی اوکراین در تهران، افزود: «مبارزه با تروریسم اکنون ابزار سیاسی در دست کشورهای بزرگ مانند امریکا است در حالی که همین قدرت‌ها اشاعه - دهنده تروریسم در دنیا هستند» (۱۳۹۰/۴/۵، به نقل از: www.dari.irib.ir).
به نقل از خبرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در گفتگو با آقای علاء - الدین بروجردی - رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی - آمده است که وی برگزاری کنفرانس مبارزه با تروریسم در تهران را فرصتی مناسب برای تبادل نظر کشورها در موضوع تروریسم ارزیابی و تصریح کرد: «باید با گفتگو و یافتن راه حل ریشه‌ای، پشتوانه‌های مالی گروه‌های تروریستی را از بین برد و این امر مستلزم تبادل نظر و گفتگو میان کشورهای منطقه بدون دخالت بیگانگان است» (۱۳۹۰/۴/۵، به نقل از: www.dari.irib.ir).

ب) راهبرد اعمال مجازات قانونی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم یکی از راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم، راهبرد اعمال مجازات قانونی و رعایت حقوق بشر است که با اهداف عالی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه اقدامات مختلفی را به انجام داده است و سیاست‌های ملی و بین‌المللی گوناگونی را دنبال نموده است؛ درضمن به مقابله با تروریسم به حقوق بشر هم توجه خاصی داشته است تا در مسیر مقابله با تروریسم، حقوق اساسی بشر به مخاطره نیفتد و نفس این اقدامات منجر به روی آوردن به اقدامات تروریستی نشود.

برخی از این سیاستها را که در این قسمت به آنها اشاره می‌شود مربوط به اقدامات و سیاست‌های قانونی و حقوقی مقابله با تروریسم می‌شود که رعایت آنها هم به نوعی پیشگیری و مقابله با علت‌های تروریسم و هم مقابله با معلول یا همان اقدامات تروریستی است که جمهوری اسلامی ایران به هر دو جنبه آن توجه داشته است.

به بیان دیگر، جمهوری اسلامی ایران در این مرحله بعد از اینکه مرحله اول کارساز نبود و اقدامات تروریستی انجام شده بود، با راهبرد اعمال مجازات قانونی سعی دارد از گسترش و بسط اقدامات تروریستی جلوگیری کند و با توسل به



قانون و اجرای دقیق آن با معلول به وجود آمده که همان تروریسم است، مقابله کند؛ لذا در این باره اقداماتی را صورت داده که به برخی از آن‌ها اشاره میکنیم.

جرمانگاری تروریسم و مجازات قانونی تروریست‌ها

جرم انگاری و شناختن اقدامات تروریستی به عنوان یک جرم مشخص و تعیین نمودن مجازاتی خاص برای اقدامات تروریستی، یکی از مهمترین اقدامات پیشگیرانه و مبارزه حقوقی با تروریسم است که در این خصوص باید اذعان نمود یکی دیگر از اسنادی که در این مقاله برای جمهوری اسلامی ایران به عنوان اسناد راهبردی مقابله با تروریسم شناخته شده است، لایحه قانون مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران است که اگر سند مذکور و کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار داده شود، میتوان ادعا کرد که جمهوری اسلامی ایران در خصوص جرم انگاری تروریسم و اقدامات تروریستی، راهبردی مشخص را اتخاذ نموده است.

از این رو، ابتدا به تعریف جرم تروریستی از نگاه اسناد مذکور اشاره و سپس به مصادیق این جرم پرداخته میشود. در کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جرم تروریستی عبارت است از: «هرگونه جرمی که شروع یا همدستی شود تا هدفی تروریستی در هر یک از کشورهای متعاقد علیه شهروندان، امکانات یا منافعشان، یا علیه اماکن خارجی و شهروندان خارجی که مقیم سرزمین آنها هستند، انجام گیرد. البته برای جرم مذکور باید در قانون داخلی دولت متعاقد مجازاتی پیش بینی شده باشد» (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۵۱)؛ همچنین جرایم گوناگونی را از قبیل: عملیات خرابکاری و نابود سازی اموال عمومی، قتل یا سرقت، پولشویی و... به عنوان جرم تروریستی معرفی نموده است (همان)؛ و در لایحه قانون مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران هم به طور مبسوط به جرم انگاری، تعریف و تعیین مصادیق جرم تروریستی پرداخته شده است که موارد ذیل برخی از آن اقدامات است:

در ماده یک این لایحه آمده است: «ارتکاب یا تهدید به ارتکاب جرایم و اقدامات خشونت آمیز از طریق به وحشت افکندن مردم جهت تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و سازمان‌های بین المللی، جرم تروریستی محسوب می‌شود» (عبداللهی و کیهانلو، ۱۳۸۴: ۱۸۵)؛ در ماده ۲ اشاره کرده است: جرایم ذیل در صورت تحقق تمام شرایط مذکور در ماده ۱ از مصادیق جرایم تروریستی مورد نظر ماده مذکور محسوب می‌گردند:



قتل، تهدید به قتل، سوء قصد یا اقدام خشونت آمیز منجر به قتل یا آسیب جسمانی شدید علیه افراد غیرنظامی، ربودن یا توقیف غیرقانونی و گروگان گیری اشخاص؛

هر گونه اقدام خشونت آمیز آگاهانه علیه افرادی که از نظر قانونی دارای مصونیت بین‌المللی هستند، به نحوی که جان یا آزادی افراد را به مخاطره انداخته باشد یا دارای چنین خطی باشد؛

خرابکاری در اموال و تأسیسات عمومی دولتی و غیر دولتی که منجر به تخریب و خسارت شدید یا اخلال در کارکرد مؤثر یا عادی گردد؛
ایراد خسارت شدید به محیط زیست از قبیل مسموم کردن آبها و آتش زدن جنگل‌ها؛

تولید، تملک، اکتساب، انتقال، سرقت، تحصیل متقلبانه، قاچاق، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت غیر قانونی سموم، عناصر و مواد شیمیایی، میکروبی و باکتریولوژیک به میزانی که توجیهی برای اهداف درمانی، علمی و سایر اهداف صلح آمیز نداشته باشد؛

تولید، تهیه، قاچاق، خرید و فروش و استفاده غیرقانونی مواد منفجره، اسلحه و مهمات؛ و در ماده ۳ تا ۷ به سایر اعمالی که جرم تروریستی محسوب میشوند پرداخته است.»

حمایت قانونی از قربانیان تروریسم و رعایت حقوق بشر

همچنین، یکی دیگر از اقدامات جمهوری اسلامی ایران در راستای راهبرد اعمال مجازات قانونی و رعایت حقوق بشر، در پرتو معیارها و قوانین خاص حقوق بشر ناشی از اصول راهبردی دین مبین اسلام برای مقابله با تروریسم، حمایت قانونی از قربانیان تروریسم با هدف جلوگیری از تکرار و عدم مقابله به مثل اقدامات تروریستی، است که به برخی از آنها میپردازیم.

الف) حمایت از قربانیان تروریسم بر اساس بیانیه الجزایر

بر اساس بیانیه الجزایر یکی از وظایف اصلی مسئولان، طرح دعاوی مربوط به قربانیان تروریسم در ایران است؛ و این امر در حال حاضر، فقط از طریق دیوان دادگستری بین‌المللی امکان پذیر است که با توجه به پذیرش اصل صلاحیت جهانی برای رسیدگی به جرایم تروریستی و نیز با توجه به اصل «یا مسترد کن و



یا محاکمه»^۱ خواستار استرداد متهمان جرایم تروریستی شد و یا دعاوی مربوط به این دسته از جرایم را در همان کشور نیز مطرح نموده و خواهان محاکمه متهمان شد (هاشمی ۱۳۹۰: ۲۷۴).

ب) حمایت از قربانیان شهروند عادی، در تبصره ۱۸ لایحه بودجه ۱۳۸۵ در تبصره ۱۸ لایحه بودجه ۱۳۸۵ کل کشور، در خصوص جبران خسارت قربانیان شهروند عادی که در اعمال تروریستی آسیب دیده اند، به صورت شایسته مورد حمایت قرار گرفتند. در بند ۳ این تبصره که مربوط به حمایت از قربانیان شهروند عادی و جبران خسارت آنان می‌باشد، آمده است:

«استیفای خسارت ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولتهای خارجی که مغایر با حقوق بین‌المللی است از جمله دخالت در امور داخلی کشور که منجر به فوت، صدمات بدنی و روانی و یا ضرر و زیان مالی اشخاص گردیده و میگردد و خسارت ناشی از اقدام و یا فعالیت اشخاص یا گروه‌های تروریستی که دولت خارجی از آن‌ها حمایت نموده و یا اجازه اقامت و یا تردد و یا فعالیت در قلمرو حاکمیت خود به آنان داده باشد و اقدامات مذکور منجر به فوت یا صدمات بدنی و روانی و ضرر و زیان مالی اتباع ایران گردد» (همان).

ج) حقوق قربانیان ناشی از نقض مصونیت سیاسی دولت ایران در ذیل بند ۲ تبصره ۱۸ لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور، در مورد جبران خسارت قربانیان تروریستی که ممکن است بر اثر نقض مقررات مربوط به مصونیت سیاسی باشد، آمده است:

«... اخذ و کیل برای دیگر شهروندان ایرانی در طرح دعاوی علیه دولتهای خارجی که مصونیت ناشی از مصونیت سیاسی دولت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نموده باشند و یا بنمایند.» بنابراین، قانونگذار از قربانیان آن دسته از اعمال تروریستی که بر اثر نقض مقررات ناشی از حقوق مصونیت سیاسی و دیپلماتیک آسیب ببینند، به صورت ویژه حمایت نموده است (همان: ۲۷۶-۲۷۴).

علاوه بر این، جرمانگاری تأمین مالی تروریسم، لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم و قانون مبارزه با پولشویی، از دیگر مستندات راهبرد اعمال مجازات قانونی مقابله با تروریسم در جمهوری اسلامی ایران محسوب میشود؛ و لذا نتیجه میگیریم جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تروریسم با در نظر گرفتن حقوق بشر و قوانین موضوعه ملی، ضمن توجه به ریشه‌ها و علل تروریسم به



معلول و عدم گسترش اقدامات تروریستی و اعمال مجازات قانونی برای مقابله با آن، توجه داشته است.

راهبرد سرکوب جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم

چنانکه اشاره شد، تروریسم و مبارزه با آن در این راهبرد در سازمان ملل بیشتر در کمیته ششم و شورای امنیت دنبال می‌گردد و تمامی قطعنامه های شورای امنیت در خصوص تروریسم در این چارچوب قرار می‌گیرند.

جمهوری اسلامی ایران در طول سه دهه اخیر برای سرکوبی و نابودی افراد و گروههای تروریستی از قبیل: حزب دموکرات کردستان، کومله، چریک-های فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، گروهک تروریستی پژاک، گروهک تروریستی جندالله و ... از راهبرد سرکوب تروریسم بهره مند شده و در این راستا، با عنایت به اسناد گوناگونی از جمله کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی که در ماده ۲ قسمت (ب) مبارزه نظامی را توصیه کرده است؛ راهبرد سیاستهای نظامی و عملیاتی خود را دنبال نموده است که در این زمینه هزینه-های هنگفت انسانی و مالی فراوانی را نیز متحمل شده است؛ البته در منطق نظامی هم این یک نکته قابل تأکید و با اهمیت است که افراد یا گروه هایی را که دشمنی و تروریست بودن آنان اثبات شده و طبق قوانین ملی و بین المللی هم قابل اثبات است باید در هر شرایطی که امکان عملیات نظامی فراهم باشد، عملیات نظامی صورت بگیرد و گروههای تروریستی سرکوب شوند.

قابل تأکید است، اگرچه جمهوری اسلامی ایران به راهبرد سرکوب هم اهمیت داده و در راستای مقابله با تروریسم به اقدامات نظامی هم روی آورده است، اما در هیچ مرحله ای پرداختن به علتها و ریشه های تروریسم را که مؤلفهای اساسی در مسیر مقابله با تروریسم است فراموش نکرده و هر فرد یا گروه تروریستی که بخواهد دست از اقدامات تروریستی بردارد، میتواند در امان باشد. اگرچه جمهوری اسلامی ایران به راهبرد سرکوب روی آورده ولی راه را برای بازگشت و توبه افراد و گروه های تروریستی مسدود نکرده است و هر کدام در هر مرحله ای که باشند باز هم می‌توانند از جرگه تروریستها خارج شوند و در صلح و امنیت به زندگی اجتماعی خود ادامه دهند.

نتیجه گیری

صلح و امنیت از نعمت هایی هستند که خداوند برای رشد و توسعه جوامع



انسانی به بشر ارزانی داشته است. آنچه مسلم است، صلح یک آرمان بشری است و همه انسان‌ها در زندگی روزانه خود برای کار و تلاش و به عینیت رساندن توانایی‌های مادی و معنوی خود نیازمند آرامش و آسایش خاطر هستند. بنابراین واضح است که آسایش خاطر چیزی نیست که از طریق آرام سازی ظاهری به وجود بیاید بلکه بایستی به صورت درونی در نهاد انسان‌ها احساس امنیت ایجاد گردد. این مهم نشان می‌دهد که ایجاد صلح و پایداری آن نیازمند فرهنگ سازی، توجه به آرمان‌های واقعی آن از جمله عدالت محوری و فرهنگ مداری است تا بتواند نیاز واقعی انسان‌ها را به آرامش و صلح تأمین نماید؛ با توجه به اینکه زندگی بشر مصاف حق و باطل بوده، عرصه‌هایی از سختی و آسانی، کامیابی و ناکامی، دوستی و دشمنی مدام با این زندگی همراه بوده است، انسان می‌بایست با آزمون زندگی و پرورش استعداد‌های خود در این محیط پرتلاطم، شایستگی بندگی را در پرتو عنایتی که در معنای جانشینی خالق نهفته است، بیابد و به کمال و رستگاری برسد و در این چرخه، پیروزی حق بر باطل وعده الهی است و همچنان بوده و نیز خواهد بود. صلح از این منظر، نه عرصه‌ای برای بازی سیاسی و جذب فریبکارانه افکار عمومی، بلکه چارچوبی برای استواری حق و تفوق آن بر باطل است. صلح اسلامی به مثابه محوری‌ترین انعکاس از تفسیر الهی صلح، نهادی به منظور صیانت از انسان و تحقق همه حقوق آن به دور از بازی قدرت است؛ از این روست که رویکرد و مبانی فکری این رهیافت اسلامی درباره صلح، اساساً انسان محور است و نظام بین‌المللی و سایر ساختارهای مدیریت جهانی را تنها به مثابه چارچوب‌های شکلی و تشکلی‌هایی میداند که از مجموع اهتمام و ایده‌های انسانی شکل گرفته‌اند و باید در راستای حقوق انسان‌ها که مشتمل بر سرنوشت مادی و معنوی آن‌ها است، گام بردارند. در این منظومه فکری، همه پدیدارهایی که در مقابل انسان و حقوق حقه آن قرار گیرند، خواه همراه با خشونت آشکار یا پنهان باشند، مذموم و مورد نکوهش خواهند بود؛ خواه این خشونت‌ها جلوه یک اقدام تروریستی داشته باشد و خواه در آستانه‌ای کمتر یا فراتر از آن جلوه‌گر شوند.

پس مقابله با تروریسم یکی از مهم‌ترین تهدیدهای فراروی صلح جهانی در حال حاضر است. تروریسم به خودی خود تعیین کننده نظام کنش و واکنش نیست. مقابله با تروریسم باید از نظامی منطقی تبعیت کند؛ نظامی که در مقابل همه پدیدارهای ضد صلح تعریف شده و در ارزش‌های فطری، الهی و انسانی نهفته است. در این جا که کاستی‌های نظام بین‌المللی آشکار می‌شود. نظام



بین‌المللی فاقد یک استراتژی روشن و جامع در مقابل تهدید و نقض صلح است؛ از این رو، سازوکارها و تدابیر ضد تروریستی مقرر در اسناد بین‌المللی موجود، گاه جهت و مجربایی را در پیش گرفته‌اند که الزاماً با تدابیر دیگری که در خصوص سایر مقوله‌های صلح جهانی ایجاد شده‌اند، سازگاری ندارند؛ بلکه تناقض و ناسازگاری‌های آن‌ها در عمل به وضوح نمایان می‌شود. نمونه آن، نقش تروریسم و ضد تروریسم در نقض حقوق بشر و حقوق اساسی ملت‌ها است. دنیا با ابتکار غرب از زمان تأسیس ملل متحد در سال ۱۹۵۴، مقوله حمایت از حقوق بشر را پیاده‌سازی نمود و رفته رفته بر شدت حمایت‌های مورد نظر افزود تا جایی که ملت‌های شرقی این افراط غرب را مورد انتقاد قرار دادند. اما از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به بعد، تدابیری در دستور کار مقابله با تروریسم قرار گرفت که در درجه اول، این نهادها و اصول حمایت از حقوق بشر را مورد نقض جدی قرار داد. شکنجه و تجاوز که پیش از آن به عنوان فجیع‌ترین اعمال ضد بشری شناخته می‌شد، یکباره به عنوان شیوه‌های مقابله با تروریسم در دستور کار غرب قرار گرفت. آن‌ها این جنایات را در لوای مقابله با تروریسم و تأمین امنیت ملی توجیه کردند و حتی این جنایات را علیه شهروندان خودشان نیز اعمال کردند (عامری ۱۳۹۰: ۷-۸). فراتر از آن، به سرزمین‌های دیگر تجاوز مسلحانه نمودند تا امنیت کشورشان را تأمین کنند. تجربه یک دهه بعد از این تدابیر ضد تروریستی - که به عکس، اقداماتی تروریستی به معنای واقعی آن بوده‌اند - نشان می‌دهد جهان باید رهیافت و طرز تفکر خود را که مبتنی بر تحمیل و هژمونی بوده است را کنار بگذارد و رهیافتی عادلانه در پیش گیرد. این همان رهیافتی است که از آن به عنوان «ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه» یاد میشود و به نظر میرسد، یکی از علل اصلی کاستی و عدم توفیق تلاش‌های گذشته و حاصل نشدن صلحی ماندگار و فراگیر در دوران معاصر، تکیه نظریه‌ها و گفتمان‌های صلح بر محورهایی گذار و فرعی بوده است و جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر ظرفیت‌های جهانی و ملی و همکاری‌های بین‌المللی، سعی در گسترش و ارائه راهبرد صلح عادلانه جهانی را به گستره تمام جهان دارد.

با توجه به فرضیه پژوهش و به عنوان نتیجه این مطالعه مقصود نگارنده این است که به راهبرد در پیش گرفته شده به وسیله جمهوری اسلامی ایران در سه دهه اخیر برای مقابله با تروریسم پرداخته و تأکید شود، هرچند که جمهوری اسلامی ایران با توجه به راهبردهای غالب در گستره جهانی و اصول راهبردی دین مبین اسلام برای مقابله با تروریسم، سیاستهایی را اتخاذ و اقداماتی را در

این راستا انجام داده است، اما میتوان گفت، راهبردی را که جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تروریسم دنبال نموده ترکیبی از همه راهبردهای فوق بوده و به طور همزمان به همه آنها عنایت داشته و هیچکدام از آنها را به طور انحصاری و مجزاً دنبال نکرده است.

به عبارت بهتر جمهوری اسلامی ایران با اقدامی ابتکاری، مخصوصاً در دهه اخیر، راهبردی را برای مقابله با تروریسم در پیش گرفته است که در ضمن مقابله با ریشه‌ها و مبادی فکری و اعتقادی تروریسم و تلاش برای خشکاندن ریشه‌ها و علل تروریسم، به طور همزمان به صورت تاکتیکی و عملیاتی با مظاهر تروریسم هم مقابله نموده است و از گسترش و بسط اقدامات تروریستی جلوگیری نموده است و در این زمینه با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و مبادی اجرایی آنها همچون اینترپل و پلیس بین‌الملل هم همکاری‌های گسترده‌ای داشته است.

بنابراین، مقابله با تروریسم در جمهوری اسلامی ایران، تحت لوای راهبردهای مقابله با آن و با توجه به دین مبین اسلام مخصوصاً مذهب شیعه، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و میتوان نتیجه گرفت که تروریسم و اقدامات تروریستی هرچه هست، معلول است و نه علت؛ لذا مقابله با تروریسم نیز باید معطوف به از بین بردن علتها و ریشه‌های تروریسم باشد نه صرفاً خود تروریسم؛ خشکاندن ریشه‌های تروریسم هم مستلزم بازنگری در شیوه‌های مبارزه و توجه به حقوق اساسی بشر در عین عدالت و برابری همه کشورها، به ویژه شناسایی ریشه‌ها و عوامل موجد تروریسم است.

همچنین، در جمهوری اسلامی ایران و از نظر رهبران آن، تروریسم به دلیل اینکه یکی از جدی‌ترین و بلکه خطرناک‌ترین مظاهر تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی تلقی میشود؛ در همه اشکال و مظاهر آن، از سوی هر کسی، هر کجا و برای هر هدف و مقصودی که باشد، مطرود و محکوم است. از این روست که تفکیک تروریسم به تروریسم خوب و تروریسم بد بزرگترین نقطه ضعف و پاشنه آشیل هر گونه راهبردی در مسیر مبارزه و مقابله با این پدیده شوم و نفرت‌انگیز است؛ اما نباید فراموش کنیم که بحث تروریسم، تا وقتی که یک تعریف و مفهوم مشخص و جامع نداشته باشد و ابعاد آن به درستی روشن نشده باشد، همچنان به طور گسترده ادامه داشته و شاید هر روز قربانیان بیشتری را فدای منافع و مصالح ویژه برخی کشورهای منفعت طلب نماید. البته لازم است تأکید شود که راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم، مانند برخی کشورهای



قدرت طلب و استعمارگر که به بهانه مبارزه با تروریسم خود عامل و مبنای اقدامات تروریستی شده‌اند و به تروریسم دامن می‌زنند، نبوده و ایران اسلامی به دنبال این است با محوریت دین مبین اسلام که آزادی و کرامت انسانی را مبنای قرار داده و همه انسانها را به این ارزش‌ها دعوت نموده است، به جامعه‌ای پر از صلح، دوستی، برابری، عدالت، آزادی، امنیت و پایبند به ارزش‌های اسلامی و انسانی نائل شود و بشریت را از این وضعیت نابسامان که خون انسان‌های بی‌گناه و مدافع حقوق اساسی خود، به ناحق بر زمین ریخته و هیچکس هم اجازه خون‌خواهی و اعتراض به اقدامات آنان را ندارد، نجات دهد.

منابع فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۷۳). دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). «مدارات تروریسم: چهره دوگانه تروریسم در عراق»، در: جمعی از نویسندگان، **عراق پس از سقوط صدام**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ازغندی، علیرضا و جلیل روشندل (۱۳۸۸). **مسائل نظامی و استراتژیک معاصر**، تهران: سمت.
- یوفو، آندره (۱۳۶۶). **مقدمه‌ای بر استراتژی**، ترجمه مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵). «موضع‌گیری سازمان کنفرانس اسلامی در مبارزه با تروریسم بین‌المللی»، (ترجمه)، ماهنامه **زمانه**، سال پنجم، شماره ۵۱.
- دردریان، جیمز (۱۳۸۲). «گفتمان تروریستی: نشانه‌ها، دولت‌ها و نظام‌های خشونت سیاسی جهانی»، ترجمه وحید بزرگی، در: علیرضا طیب (گردآوری و ویرایش)، **تروریسم تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق**، تهران: نشر نی.
- دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم (۱۳۹۰). **تعهدات جمهوری اسلامی ایران به CTC** (ترجمه)، تهران: دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم دانشگاه آزاد اسلامی.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۰). «مقابله با تروریسم: تبیین معیار اقدام در پرتو حقوق بشر»، در: عباسعلی کدخدائی و نادر ساعد(به‌اهتمام)، **تروریسم و مقابله با آن**، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.
- ساعد، نادر و عباسعلی کدخدایی، (به‌اهتمام) (۱۳۹۰). **تروریسم و مقابله با آن**، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.



سرمرستانی، جمشید (...). «تروریسم» (ترجمه)، گاهنامه دفاعی - تاکتیکی دوره‌ی فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران.

فارسی، جلال الدین (۱۳۶۳). **استراتژی ملی** (گزارش سمینار)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

فلوری، موریس (۱۳۸۲). «حقوق بین‌الملل: ابزاری برای مبارزه با تروریسم»، ترجمه سید قاسم زمانی، در: علیرضا طیب (گردآوری و ویرایش)، **تروریسم تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق**، تهران: نشر نی.

شریفیان، جمشید (۱۳۸۰). **راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

طیب، علیرضا (گردآوری و ویرایش) (۱۳۸۲). **تروریسم تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق**، تهران: نشر نی.

عبداللهی، محسن (۱۳۸۸). **تروریسم: حقوق بشر و حقوق بشردوستانه**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

عامری، داود (۱۳۹۰). «صلح عادلانه، راهکار مقابله با تروریسم»، در: نادر ساعد و عباسعلی کدخدایی (به اهتمام)، **تروریسم و مقابله با آن**، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.

عباسی، مجید (۱۳۸۸). «راهبردهای بی‌فرجام»، فصلنامه **راهبرد دفاعی**، سال هفتم، شماره ۲۵. قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۰). «نقض حقوق بشر و گسترش تروریسم»، فصلنامه **سیاست**، دوره ۴۱، شماره ۱.

هاشمی، سید حسین (۱۳۹۰). **تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی**، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

منابع لاتین

DOD, Department of Defense Dictionary of Military and Associated Terms ,12 April 2001,(As Amended Through 19 August 2009) ,p. 39.

Nacos, Brigitte L. (2008), terrorism and nterterrorism : penguin academics.

United States Southern Command Strategy 2016. www. southcom. mil/AppsSC/files /0UI0I1177092386 . pdf, accessed 1-29-2008.



www.terror-victims.com/fa

www.asriran.com

www.dari.irib.ir

www.icterrorism.com/fa

www.southcom.mil

www.terror-victims.com/fa/index

www.humanrights-iran.ir/news-21026.aspx

